

اندونزی

(۳)

عرب و زبان عربی در اندونزی

اعراب از دیر زمانی بخصوص در قرنهای هفتم و هشتم هجری مانند ایرانیان و هندیها به اندونزی مهاجرت میکردند ولی مهاجرت دسته جمعی آنها بدین کشور از قرن نوزدهم میلادی آغاز گشت و همچنان ادامه یافت؛ فرزندان این مهاجرین بواسطه گذشت زمان در ملت اندونزی تحلیل رفته و برای آنکه از حیث حقوق و مزایا یا یومیان بر این شوند و بتوانند مالک زمین شده و وارد خدمات دولتی گردند ناهای و سانسکرینی + برای خودشان بر گردید و با مالک اندونزی آمیخته شدند .

آمار اعراب در این کشور تا پیش از جنگ جهانی دوم پینستد هزار نفر میرسید و اکنون بر اثر مقررات سخت دولت برای مهاجرت و گران شدن زندگی نسبت بگذشته از سیل مهاجرت آنها جلوگیری شده و در نتیجه خصوصیات زیادی خود را از دست میدهند .

زبان عربی که قرآن کریم بدان نازل شده در سراسر جاوه و سوماترا و برنجی از جزایر اندونزی دیگر رواج دارد و در تمام آموزشگاههای اسلامی تدریس میشود ، هزاران شراندا شیواریان اندونزی در حجاز و مصر و عراق به تحصیل زبان و ادبیات عرب مشغول اند و دریا گشت یوسون به نشر و اشاعه این زبان کمک مینمایند ؛ در انجمنها و اجتماعات ، بیشتر اوقات بزبان عربی تکلم میکنند و پیش از آنچنانجلسی مؤسسان گروهی از نمایندگان مسلمان برای آنکه زبان عربی پس از زبان اندونزی زبان رسمی کشور شناخته شود طلبهای آئینی نموده با سایر نمایندگان مجادله ها کرده و عقیده آنها این بود که زبان مذهبی را نمیتوان یک زبان بیگانه پنداشت ... الفبای زبان عربی تا آغاز قرن بیستم در میان مسلمانان رواج کامل داشت ولی از آن تاریخ حکومت هلند زبان هلندی و الفبای لاتین را باسیاست و تدبیر گاهی با دودر جانشین الفبای عربی قرار داد و در نتیجه الفبای رسمی در ادارات و دوا یر دولتی گردید .

در دوره های حکومت اسلامی تعلیمات مذهبی دوسراسر جزائر اندونزی رواج داشت و چون پایه و شالوده تمام احکام بر روی دین استوار بود مدارس علوم دینییه مقام ارجمندی پیدا کردند ، و بواسطه بستگی تعلیمات دینی با زبان و الفبای عربی با درود علماء و فقها از کشوره های اسلامی دامنه این تعلیمات وسیع تر شده و بازار آن رونق یافت ، اما در قرن نوزدهم بر اثر فشار دمامداران ، تعلیمات مذهبی بانجام قرائن و عبادات منحصر گردید ، زیرا آنها از تدریس باب جهاد و مانند آن بیمناک بودند تا جایی که ه سفوگت هر خرونییه ، یکی از خاورشامان سرسخت هلند و دشمن اسلام دولت متبوع خود را بجوگرایی از زیارت حج و اتصال مردم اندونزی با سایر ممال اسلامی تشویق مینمود ؛ ولی با تمام این مراتب و با وجود شرایط سنگین و مقررات عجیب و غریب حکومت هلند مردم بخصوص روشنفکران برای دیدار و شناسائی برادران اسلامی خود بزبان عربی میشتافتند ... از اوایل این قرن شماره آموزشگاههای اسلامی بایر نامه های عصری رو بخرونی نهاد و کم کم انجمنهای اسلامی تشکیل یافت و هر یک مدارس و آموزشگاههایی تأسیس کردند ولی حکومت هلند گواهی نامه آنها را برسمیت نسی شناخت ، در دوران استقلال ، مدارس و دانشگاه های ملی در گوشه و کنار تأسیس گردید تا آنکه در سالهای اخیر وزارت فرهنگ در بر نامه های آنها نظارت نموده همگی را بنام دانشگاه اسلامی اندونزی نام گذاری نمود .

* * *

تاریخ اندونزی همانطور که از شهر یاران با اقتدار و فرهنگ باستانی آن سخن میگوید از دوران استعمار و جنگها و خونریزیها برای سرکوبی استعمارگران بخوبی یاد میکند .. بطور خلاصه : دکتر احمد سوکارنو در سال ۱۹۲۸ مسیحی با همکاری چند نفر از آزادیخواهان يك انجمن ملی که بعدا بنام حزب ملی اندونزی نامیده شد تشکیل داد ؛ این انجمن هت مبرگری هفت مدد همکاری با حکومت مستمراتی هلند گردید و نظایر بقالینهای سیاسی وی چندبار بوسیله مأمورین مستمراتی توقیف و زندانی شد . پس از سقوط کشور ماند در جنگ جهانی دوم دکتر سوکارنو بجزیره جاوه آمد و در دوره اشغال اندونزی بوسیله سر بزاز ژاپنی با کمک مادی و معنوی ژاپنیها دوباره جبهه ملی را تشکیل داد و شب و روز آرام نشاست پس از شکست و تسلیم ژاپن به نیروی متنفذ نخستین کمیته استقلال اندونزی را در سال ۱۹۴۵ تأسیس و خود بریاست آن انتخاب و این کمیته مدان انجام تمام مقدمات در تاریخ ۱۷ ماه اوت ۱۹۴۵ استقلال اندونزی را اعلام و دکتر سوکارنو را بسمت ریاست جمهوری اندونزی برگزید حکومت جمهوری جوان اندونزی از يك دمو کراسی تشکیل یافته که

پایه های فلسفی آن بر روی پنج اصل زیر که بزبان اندونزی «پنجاسیلا» نامیده شده استوار میباشد :

۱- اعتقاد پروردگار توانا

۲- حکومت مردم بر مردم

۳- ملیت

۴- انسانیت

۵- عدالت اجتماعی

رئیسامداران کونونی اندونزی بخصوص شخص رئیس جمهور که اختیارات نامحدود دارد بر نامه های وسیعی در تمام شئون کشور بخصوص اصلاحات فرهنگی و اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی مردم تهیه نموده در اجرای آن کوشش و فداکاری میکنند ؛ ولی این کشور به تازگی بواسطه موقعیت جغرافیائی خود و دوری و پراکندگی جزائر از یکدیگر و نداشتن وسائل ارتباطی کافی دشواریها و مشکلات فراوانی در پیش دارد و در حقیقت باید گفت که دوره انتقال را می بینیم .

این مجمع الجزائر با چشم اندازهای دلنشین ، ساختمانهای قدیمی ، معابد و آثار تاریخی جنگلهای انبوه ، آبشارها و دریاچه ها ، گیاهها و میوه های گوناگون بناهای طرح ریزی شده دست اندازان و هنرمندان ، برگزاری مراسم جشنها و عروسیها ، آداب و عادات و سنن ملی ؛ فلسفه ها و هنرهای زیبا که مخلوق این فرهنگ باستانی و علوم مصری است ؛ بسیار ناشانی و دیدنی میباشد و نگارنده پس از سه سال اقامت در جزیره جاوه و سایر وسایح در بسیاری از جاهای زیگی در او آخر اردیبهشت ۱۳۴۰ از راه سنگاپور - مالایا - هونکنگ - ژاپن - سیام - هندوستان - پاکستان - لبنان و عراق با هواپیما بایران بازگشتم . هنگام عریضت از فرودگاه «گمابوران» شهر جاکارتا بن اختیاری این شهر این زریق خاطرم گذشت و بابت آنها خاطرات شیرین و فراموش نشدنی آن سرزمین زیبارا ترک گفتم :

ودعه و بودی او بودنی طبیب الحیات عالی لاوده (۱)

۱- او را ترک گفتم ولی قسم بلافهم باد ، اگر جان شیرینم برود هرگز یاد و دماغ نخواهم کرد .